

غلط‌نویسیم

از چاپ اول تا ویراست دوم

بررسی نقدهای نگاشته‌شده بر چاپ اول غلط‌نویسیم
و تأثیر آن‌ها بر ویراست دوم کتاب

امید طیب‌زاده

(پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی)

کتاب

تهران ۱۳۹۸

فهرست

پیش‌گفتار.....	نه
مقدمه.....	یازده
درباره «غلط‌نویسیم».....	سیزده
درست و غلط یا معیار و غیرمعیار.....	بیست
منابع و احکام صحیح و ناصحیح نزد نجفی.....	بیست و دو
برنامه‌ریزی زبانی.....	بیست و هفت
اختلاف‌نظرها در مورد مفاد «غلط‌نویسیم».....	بیست و نه
درباره کتاب حاضر.....	بیست و نه
توضیح درباره چند اصطلاح.....	سی و سه
غلط‌نویسیم، از چاپ اول تا ویراست دوم.....	۱
فهرست پیشنهادهایی که رد شده‌است.....	۱۴۷
فهرست مدخل‌های جدیدی که به ویراست دوم افزوده شده‌است.....	۱۶۱
کتابنامه.....	۱۶۷
فهرست راهنما.....	۱۶۹
فهرست نام‌ها.....	۱۸۵

← آبان/آبان +

دانشور این دو کلمه با ذکر این توضیح که آبان صحیح تر است به ویراست دوم افزوده شود.

ویراست دوم این مدخل به ویراست دوم اضافه شده است، اما با این توضیح که گرچه عده‌ای آبان را اصیل می‌دانند، صورت آبان هم که کم‌ویش در متون معتبر فارسی به کار رفته صحیح است:

پس از شهریور و مهر و ابان و آذر و دی دان
که بر بهمن جز اسفندارمذ ماهی نیفزاید

(ابونصر فراهی، نقل از لغت‌نامه‌دهخدا)

آبدیده/آبداده

چاپ اول آبدیده به معنای «ترشده در آب» و توسعاً به معنای «تباه و فاسد شده» است، و از این رو به کار بردن آن در ترکیب فولاد آبدیده صحیح نیست. به جای آن باید گفت: فولاد آبداده.

باطنی (۲) اصطلاح آبدیده در ترکیب فولاد آبدیده صحیح است به دلایل زیر: اول اینکه این اصطلاح در فارسی رایج شده و مردم آن را در همان معنا به کار می‌برند؛ دوم اینکه اصطلاح آب دادن امروز خود معنای خاصی یافته و در مورد فلزات به کار می‌رود: «آب دادن فلزی» یعنی «نشاندن لایه‌ای از فلزی بر فلزی دیگر با استفاده از فنون الکتروشیمیایی». بر این اساس فولاد آبداده یعنی «فولادی که با لایه‌ای از فلزی دیگر روی آن را پوشانده باشند»؛ و سوم اینکه در فولاد آبدیده، به قیاس «گرگ باران دیده» به جنبهٔ مفعولی عمل توجه

داریم، زیرا فاعل یا عامل فعل مشخص نیست و از این لحاظ نیز این ترکیب صحیح است.

تاکمی آبدیده در ترکیب فولاد آبدیده صحیح است به دلایل زیر: اول اینکه این اصطلاح در همان معنی در گفتار و نوشتار معاصر به کار می‌آید؛ و دوم اینکه این اصطلاح در فرهنگ‌های لغات نیز ضبط شده است، من جمله در کتاب کوچه احمد شاملو و قاموس دکتر ابوالقاسمی و دیگران (دفتر نخست، تهران، بی‌نا، ۱۳۶۴).

شریعت قدمت صفت آبدیده در این معنی به عهد ناصر خسرو می‌رسد و از این رو ساخته معاصران نیست:

دیو هگرز آبروی من نبرد زانک

روی بدو دارد آبدیده سنانم (دیوان، ص ۲۹۵)

نجفی ۱۳۶۷ ← [در پاسخ به شریعت]: پس از مراجعه به صفحه ۲۹۵ از دیوان ناصر خسرو (چاپ مهدی سهیلی، تهران، ۱۳۳۵) دیدیم که در این بیت آبداده به کار رفته است و نه آبدیده! در چاپ جدیدتر و دقیق‌تر این دیوان (چاپ مجتبی مینوی و مهدی محقق، تهران، ۱۳۵۷، ص ۲۱۱) نیز آبداده سنانم ضبط شده است.

ویراست دوم تغییر چندانی در این مدخل داده نشده است، جز اینکه شاهد‌های بیشتری دال بر صحیح بودن ترکیب فولاد آبداده عرضه شده است. یکی از آن شاهد‌ها همان بیتی است که دکتر شریعت از دیوان ناصر خسرو مثال آورده بود: دیو هگرز آبروی من نبرد زانک...

سمیعی آقای نجفی درباره آبدیده به نظایر آن در مجهول‌سازی یا لازم‌سازی توجه ننموده است: آزار دادن ← آزار دیدن؛ تعلیم دادن ← تعلیم دیدن، تعلیم دیده؛ صیقل دادن ← صیقل دیده؛ نوازش دادن ← نوازش دیده. فولاد آبدیده نیز به الگوی نظایر فوق (آب دادن ← آب دیده) ساخته شده است و بنابراین صحیح است. برای شواهد بیشتر رجوع شود به فرهنگ فارسی زانسو (خسرو کشانی، مرکز نشر دانشگاهی، ۱۳۷۲).

آتش گشودن

چاپ اول آتش گشودن ترکیبی جعلی است که حاصل از ترجمه لفظ به لفظ

ouvrir le feu فرانسوی و to open fire انگلیسی است. به جای این ترکیب جعلی از اصطلاحات رایجی چون آتش کردن، تیراندازی کردن، و شلیک کردن استفاده شود.

باطنی (۳) اصولاً ترکیب‌هایی از این دست که حاصل ترجمه قرضی^۱ است نه تنها هیچ خطری برای زبان فارسی ندارد، بلکه به تنوع و غنای زبان می‌افزاید. مثلاً کدام یک از دو جمله زیر زیباتر و پسندیده‌تر است: «سربازان به روی جمعیت آتش گشودند» یا «سربازان به روی جمعیت آتش کردند»؟ عنایت ← اگر ملاک اصلی گفتار مردم باشد، «زیباتر و پسندیده‌تر» بودن کلام را نمی‌توان مبنای ارزیابی قرار داد. دیگر اینکه هیچ رزمنده‌ای در جبهه به هم‌رزمش نمی‌گوید «آتش بگشا». گرت‌برداری باید به‌ضرورت انجام گیرد تا به غنای زبان بیفزاید، یعنی برای مفاهیمی که معادل دقیق در زبان فارسی ندارند و نه برای مفاهیمی که زبان فارسی یک یا چند معادل برای آن‌ها دارد. شریعت هیچ‌کدام از مصدرهایی که نجفی برای آتش گشودن پیشنهاد کرده است معادل دقیقی برای ouvrir le feu فرانسوی و to open fire انگلیسی نیست. بین این اصطلاحات تفاوت‌های ظریفی وجود دارد که همه فارسی‌زبانان به آن واقف‌اند [شریعت هیچ توضیحی درباره این تفاوت‌ها نمی‌دهد].

ویراست دوم تغییر چندانی در مدخل آتش گشودن داده نشده است. سمیعی ← [در پاسخ به عنایت]: کسی نگفته است آتش گشودن را در هر بافت و موقعیتی می‌توان به کار برد. یک معنی در موقعیت‌های متفاوت با تعبیر متفاوت به کار می‌رود.

آخر/ آخور

چاپ اول نجفی هر دو صورت آخر و آخور را صحیح می‌داند. شریعت صورت آخور مرجح است، زیرا در این صورت امکان خلط آن با دو کلمه آخر و آخر از میان می‌رود. مضافاً اینکه تاکنون در هیچ متنی میرآخور به صورت میرآخر نوشته نشده است.

۱. باطنی به جای استفاده از اصطلاح «گرت‌برداری» از اصطلاح «ترجمه قرضی»، که آن را دقیق‌تر می‌داند، استفاده می‌کند. رجوع شود به مدخل «گرت‌برداری» در ابتدای همین کتاب.